

## بررسی نقش ویژگی‌های فردی در میزان دلبستگی کاربران به فضاهای شهری (نمونه موردی: خیابان خیام در قزوین)

مریم چرخچیان<sup>۱</sup>

### چکیده

رابطه انسان و مکان جنبه‌های گوناگونی دارد که دلبستگی به مکان، به عنوان بُعد عاطفی این رابطه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این رابطه، علل و عوامل مختلفی در مطالعات گوناگون مطرح گردیده‌اند که برخی به ویژگی‌های مکان و برخی به ویژگی‌های فردی اشاره دارند. در تحقیق حاضر با عنایت به اهمیت این امر در توسعه رابطه انسان و مکان که آرامش او را در پی دارد جنبه‌های فردی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و یکی از خیابان‌های موفق شهری با نام خیابان خیام واقع در شهر قزوین به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. در این راستا پس از یافتن شاخص‌های ارزیابی دلبستگی به مکان در تحقیقات صورت گرفته، متغیرهایی چون: جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و شغل پاسخ‌دهندگان؛ به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. با توجه به آن که دلبستگی به مکان، دارای ابعاد مختلف عملکردی، عاطفی، رفتاری و شناختی می‌باشد، تأثیرگذاری متغیرهای مذکور بر میزان دلبستگی پاسخ‌دهندگان در این ابعاد، مورد سنجش قرار گرفته است. در این تحقیق، ۵۹۸ نفر از شهروندان حضور داشته‌اند و نتایج از طریق آزمون‌های مختلف تی-تست، همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی و اف-تست، تحلیل شده است. نتایج حاکی از آن است که در میان متغیرهای مذکور، تنها تحصیلات رابطه معناداری با میزان دلبستگی افراد به مکان و همچنین بُعد عاطفی آن داشته است. ضمن آن که رابطه معناداری بین گروه کارگران و افراد مجرد با بُعد رفتاری دلبستگی به مکان مشاهده گردیده است. قابل ذکر است بعد مذکور در عین حال تحت تأثیر مستقیم سن کاربران در فضای نمونه نیز قرار دارد.

**واژگان کلیدی:** دلبستگی به مکان، جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و شغل.

## مقدمه

رابطه انسان و مکان یکی از مهم‌ترین مباحث مورد تحقیق در حوزه معماری و شهرسازی می‌باشد و دل بستگی به مکان<sup>۲</sup> یکی از برجسته‌ترین مقوله‌های مطرح در این زمینه می‌باشد. در مطالعات مختلفی که تاکنون بر در این باره صورت گرفته است، متغیرهای مختلفی گزارش شده‌اند که بخش قابل توجهی از آن به ویژگی‌های فردی انسان در این رابطه اشاره دارند. تا آنجا که مشخصه‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی انسان، موضوع تحقیقات فراوانی در حوزه علوم مختلف روانشناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیای شهری، شهرسازی و معماری بوده است (Pretty et al, Bonaiuto et al, 1999, 331-352; Cohen et al, 1985). متأسفانه در کشور ما علیرغم اهمیت رابطه انسان و مکان به‌ویژه در محیط‌های شهری که می‌تواند حیات جمعی و زندگی اجتماعی افراد را در شهر ارتقا بخشد، مطالعات اندکی در این حوزه صورت گرفته‌اند که آن هم با تکیه بر مقوله حس مکان بوده و دل بستگی به مکان به‌ویژه در فضاهای شهری چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین با توجه به اهمیت فضاهای شهری و ضرورت ایجاد پیوندی دوباره بین انسان و مکان زندگی او، تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش عوامل فردی بر میزان دل بستگی کاربران به این فضاها صورت گرفته است. از جمله اهداف تحقیق آن است که سهم انسان و ویژگی‌های فردی را در برقراری ارتباط با محیط شهری پیرامون او بررسی نماید و در این راستا، پاسخگویی به دو پرسش اساسی زیر مورد نظر بوده است:

آیا رابطه معناداری بین ویژگی‌های فردی کاربران و میزان دل بستگی آن‌ها به مکان وجود دارد؟

هر یک از ابعاد مختلف عاطفی، عملکردی، شناختی و رفتاری دل بستگی به مکان، چگونه تحت تأثیر عوامل و ویژگی‌های فردی قرار می‌گیرند؟

## پیشینه تحقیق

عامل اساسی که در ساختن مکان‌ها نقش اصلی ایفا می‌کند، مبتنی بر توانایی شهرسازان و

طراحان محیط در پاسخگویی توأم با حساسیت به شرایط انسانی است. نکته مهم در این میان آن است که ایجاد تعامل و کنش مثبت میان افراد مختلف و فضای پیرامون آن‌ها می‌تواند کیفیت مکان را به حد اعلا برساند (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۱۰). این ارتباط در فضاهای شهری به دلیل نقش شهرها در زندگی روزمره شهروندان از اهمیت بیشتری برخوردار است. به‌طور کلی نقاط شهری، دارای خصوصیات فیزیکی و اجتماعی خاص خود هستند که گروه اول به ویژگی‌های مکان و گروه دوم به ویژگی‌های فردی اشاره دارند و ارتباط نزدیکی بین این دو ویژگی وجود دارد. چنانچه شهرها نتوانند افراد گوناگون را به خود جذب نمایند، شهروندان تنها به کاربران شهر تبدیل می‌شوند که این امر عدم تعامل میان آن‌ها را نیز به همراه خواهد داشت که خود عوارض گوناگون اجتماعی، روانی و عاطفی را در شهرها دامن خواهد زد (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۴).

تحقیقات صورت گرفته در حوزه رابطه انسان و مکان عمدتاً در روانشناسی محیط و دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ریشه دارد، یعنی زمانی که اهمیت مکان و نقش آن در سلامت فردی به‌صورت روزافزونی مورد تأکید قرار گرفت. در این بستر واژه‌های گوناگونی چون حس مکان، هویت مکان، دل‌بستگی به مکان و عباراتی از این دست پدید آمدند. در این میان دل‌بستگی به مکان به عنوان محور اصلی تحقیق حاضر، مبین رابطه عاطفی فرد و مکانی خاص است (Hidalgo & Hernandez, 2001, 273-281; Moore & Graefe, 1992, 17-31; Williams et al., 1994, 17-31; Low & Altman, 1992, 29-46; Proshansky et al 1983, 57-83).

به‌طور کلی می‌توان گفت دل‌بستگی به مکان مبتنی بر فرایندی است که ریشه در تعامل انسان و مکان بر پایه عواطف و نحوه شناخت فرد نسبت به مکان و میزان پاسخگویی مکان به نیازهای او دارد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹). این به آن معناست که نحوه ارزیابی و قضاوت فرد از مکان، بر پایه نیازهایش، سبب مراجعات مکرر به مکان و شکل‌گیری عواطف و احساسات مثبت درون وی می‌گردد که محصول آن متأثر نمودن رفتار فرد در مکان می‌باشد.

مطالعات صورت گرفته در این زمینه تاکنون بر علل و عوامل گوناگونی اشاره داشته‌اند که می‌توان دستاورد آن را در قالب سه گروه طبقه‌بندی نمود:

مطالعاتی که به ویژگی‌های مکان اشاره دارند ( Stedman, 2003, 294-300; ) به عامل زمان پرداخته‌اند (Bonaiuto et al, 1999, Low & Altman, 1992, 1-12; Eisenhauer et al, 2000, 421-441; Bonaiuto et al, 2002, 1-12; Rohe & Stegman, 1994, 152-172; Rubinstein & Parmelee, 1992; Riley, 1992; Ellaway & Macintyre, 1997; Low & McDonough, 2001; Pretty et al, 2003). آن دسته از مطالعات که به ویژگی‌های فردی کاربران تکیه دارند نشان می‌دهند که میزان دل‌بستگی به مکان از فردی به فرد دیگر متفاوت است (Tuan, 1977 and Riley, 1992). افراد بر اساس ترجیحات آگاهانه‌ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی آن‌ها می‌باشد، مکان‌ها را انتخاب می‌کنند و به آن‌ها دل‌بسته می‌شوند. محققان نشان داده‌اند که شکل‌گیری دل‌بستگی افراد به مکان تحت تأثیر ویژگی‌های فردی کاربران (Johnson 1998; Williams et al. 1992) و دانش اجتماعی، باورها و طرز تفکر افراد قرار دارد (Ahrentzen, 1992: 116). در تبیین ویژگی‌های فردی و نقش آن در نحوه تعامل با مکان به عوامل مختلفی چون: سن، جنسیت، در آمد، وضعیت تأهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل اشاره گردیده است (Bonaiuto et al, 1999; Cohen et al, 1985; Pretty et al, 2003).

تاکنون محققان مختلفی با ارائه تعاریف و ابعاد متفاوت دل‌بستگی به مکان سعی در اندازه‌گیری میزان آن نموده‌اند. شریبر و همکارانش با طبقه‌بندی دل‌بستگی به دو بعد عاطفی و عملکردی (Schreyer, 1981: 296)، و گیلیانی و فلدمن با عنایت به ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری آن (Giuliani & Feldman, 1993: 270) از جمله محققانی هستند که می‌توان در این باره از ایشان نام برد. تحقیقات ویلیام و وسک با طراحی ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت، از جمله مهم‌ترین و معتبرترین مطالعات در این زمینه می‌باشد (William & Vaske, 2003: 837) که به دلیل آن که صحت و اعتبار آن بارها در

مطالعات مشابه مورد تأیید واقع شده مبنای تحقیق حاضر نیز قرار گرفته است. با این تفاوت که بعد رفتاری دل‌بستگی به مکان به معنای دستاورد آن، به صورت بروز رفتارهای متعهد و پاسخگو در فرد نسبت به آن مکان؛ نیز در این تحقیق مورد سنجش قرار گرفته است. چرا که مطالعات انجام گرفته تاکنون نشان می‌دهد که هرچه میزان دل‌بستگی افراد نسبت به مکانی افزایش یابد میزان پاسخگویی آن‌ها نسبت به مکان و نیز تمایل آن‌ها به مشارکت در حفظ و نگهداری آن نیز افزایش می‌یابد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸). به عنوان نمونه بعد رفتاری دل‌بستگی به مکان به صورت احترام به قوانین و محدودیت‌ها در مکان (Warzecha & Lime, 2000: 62)، تمایل به پرداخت هزینه جهت حفظ آن (Kyle et al, 2003: 42) و نیز بروز رفتارهای متعهدانه از سوی کاربران (Vaske & Korbin, 2001: 17)، در تحقیقات متفاوت مطرح گردیده است. بنابراین هنگامی سنجش میزان دل‌بستگی افراد به مکان کامل خواهد بود که علاوه بر نحوه ارزیابی فرد از مکان به لحاظ عاطفی و شناختی، آثار رفتاری و انگیزشی آن بر فرد نیز مورد ارزیابی قرار گیرد (چرخچیان، ۱۳۸۸: ۵۰).

بنابراین با عنایت به ادبیات موجود در این حوزه، می‌توان دل‌بستگی به مکان را در چهار بعد زیر تعریف و تبیین نمود که مبنای طراحی گویه‌ها و نحوه سنجش میزان دل‌بستگی به مکان قرار گرفته است:

- عاطفی: تعلق خاطر و احساس فرد در رابطه با مکان و خاطرات وی در آن؛
- عملکردی: وابستگی فرد نسبت به مکان در برآوردن نیازهای خود و میزان مراجعه و حضور در آن؛
- رفتاری: تمایل به مشارکت در نگهداری مکان و رفتارهای پاسخگو در آن؛
- شناختی: ویژگی‌های و تمایزات کالبدی مکان.

### مواد و روش‌ها

بر اساس مرور ادبیات صورت گرفته، به منظور سنجش میزان دل‌بستگی کاربران به فضای نمونه، از روش تحقیق اسنادی و پیمایشی استفاده گردیده است. به منظور اجرای تحقیق پیمایشی، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت، بر مبنای مطالعه ویلیامز و

وسک؛ طراحی گردید که در جدول ۱ آمده است. به منظور ارزیابی پرسشنامه مذکور، ابتدا ۵۰ نفر از شهروندان در پاسخگویی مشارکت داده شدند که این آزمون اولیه سبب ایجاد تغییراتی به لحاظ ادبیات و نحوه بیان گویه‌ها گردید تا ضمن گویایی بیشتر بتواند با مخاطب فارسی زبان ارتباط بهتری برقرار نماید. علاوه بر این، تجربه اولیه و مطالعات بیشتر در این زمینه براساس آنچه در مرور ادبیات این حوزه مطرح گردید؛ منجر به طراحی پرسشنامه تازه‌ای با محوریت چهار بُعد: عملکردی، عاطفی، رفتاری و شناختی گردید که در جدول ۲ آمده است.

جدول (۱) گویه‌های مورد سنجش مطالعه ویلیامز و وسک (Williams and Vaske, 2003)

گویه‌ها
<p>احساس می‌کنم این مکان بخشی از من است.  این مکان بهترین مکان برای انجام کارهای مورد علاقه من است.  این مکان برای من بسیار خاص است.  مکان دیگری با این مکان قابل مقایسه نیست.  من با این مکان، احساس اینهمانی قدرتمندی دارم.  من حس رضایت بیشتری از بودن در این مکان نسبت به سایر مکان‌ها دارم.  من بسیار به این مکان دلبسته‌ام.  کارهایی که در این مکان انجام می‌دهم با اهمیت‌تر از کارهایی است که در سایر مکان‌ها انجام می‌دهم.  بودن در این مکان به من می‌گوید من کیستم.  من مکان دیگری را برای انجام کارهایی که در این مکان انجام می‌دهم جایگزین آن نمی‌کنم.  این مکان معانی زیادی برای من دارد.  تنها در مکان‌های مشابه این مکان از انجام کارهایی که در آن انجام می‌دهم لذت می‌برم.</p>

جدول (۲) گویه‌های مورد سنجش در تحقیق

گویه‌ها	ابعاد
<p>مکان‌هایی شبیه خیام را دوست دارم.  خیابان دیگری را در قزوین به آن ترجیح نمی‌دهم.  دوست دارم ساعت‌ها در این خیابان باشم.  اولین جایی است که برای بیرون آمدن از خانه انتخاب می‌کنم.</p>	عملکردی



عاطفی	وقتی این جا هستم انگار در خانه هستم. از خیام خاطرات زیادی دارم. خیام خیابان مورد علاقه من است. اگر امکان داشت هر روز به خیام می‌آمدم. آدم‌هایی که به این خیابان رفت و آمد می‌کنند شبیه خودم هستند.
رفتاری	حاضرم برای حفظ آن هزینه کنم. حاضرم برای نگهداری آن هر کاری که در توانم باشد انجام دهم. احساس می‌کنم مردم در اینجا رفتار محترمانه‌تر و بهتری دارند.
شناختی	وقتی به قزوین فکر می‌کنم اولین جایی که به یاد می‌آورم خیام است. خیام تمام خصوصیات که یک خیابان خوب باید داشته باشد را دارد. چیزی در خیام هست که آن را از خیابان‌های دیگر قزوین متفاوت کرده است.

در این تحقیق براساس مشاوره کارشناس آمار، در مجموع با ۶۰۰ نفر مصاحبه گردید که با دو پرسشنامه مغشوش، در نهایت ۵۹۸ پرسشنامه استخراج گردید که از طریق حضور گروه پنج نفره (محقق و ۴ دانشجوی آموزش دیده) در ۵ نقطه از تقاطع‌های اصلی خیابان خیام و طرح پرسشنامه با دهمین فرد عابر از مقابل مصاحبه کنندگان صورت گرفت. به این ترتیب گروه‌های متفاوت سنی و جنسی با سطح تحصیلات و مشاغل گوناگون مشارکت داده شدند (جدول ۳). همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مشارکت گروه زنان و مردان و گروه مجردین و متأهلان در تحقیق تقریباً برابر بوده است که با توجه به اتفاقی بودن مصاحبه‌ها حاکی از حضور گروه‌های مختلف در فضای نمونه می‌باشد که مؤید موفق بودن فضا به لحاظ جذب گروه‌های مختلف می‌باشد. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان نیز با توجه به طیف سنی مختلف آن‌ها نشان‌دهنده گرایش بیشتر گروه جوانان به حضور در فضا می‌باشد. وضعیت تحصیلات و میانگین آن نیز با توجه به آن که طیف بی‌سواد تا مقطع دکترا در تحقیق حضور داشته‌اند نشان‌دهنده جذابیت فضا برای گروه‌های مختلف از لحاظ تحصیلات می‌باشد. پس از استخراج آمار توصیفی از گروه‌های مختلف شرکت‌کننده، میزان همبستگی متغیرهای مستقل تحقیق شامل: سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و شغل داوطلبان و معناداری آن با متغیر وابسته یعنی دلبستگی کاربران به فضای نمونه و ابعاد چهارگانه آن؛

ارزیابی شده است. نتایج حاصل از این تحقیق به وسیله نرم‌افزار اس.پی.اس.اس<sup>۳</sup> و با به کارگیری آزمون‌های مختلف تی-تست<sup>۴</sup>، تحلیل عاملی و اف-تست<sup>۵</sup> مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول (۳) مشخصات آماری مشارکت‌کنندگان

تعداد	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	
۵۹۸	۸۰	۱۴	۱۱/۳۲۶	۲۷/۹۴	سن
۵۹۸	-	-	۰/۴۹۴	۰/۵۸	وضعیت تأهل
۵۹۸	-	-	۰/۵۰۰	۰/۵۱	جنسیت
۵۹۸	۲۰	۰	۳/۰۳۰	۱۲/۷۰	تحصیلات

به منظور تحلیل داده‌ها، ابتدا روایی پرسشنامه با محاسبه آلفا کرون باخ ارزیابی گردید که نتیجه به دست آمده با میزان ۰/۸۳، نشان‌دهنده اعتبار پرسشنامه طراحی شده در راستای سنجش متغیر وابسته می‌باشد. پس از این مرحله به منظور مقایسه و تحلیل نتایج، میانگین میزان دل‌بستگی به تفکیک گروه‌های مختلف مشارکت‌کنندگان محاسبه گردید که در بخش نتایج بدان خواهیم پرداخت.

#### نمونه موردی

خیابان خیام به عنوان نمونه مورد مطالعه، یکی از خیابان‌های قدیمی شهر قزوین می‌باشد که در مجاورت مرکز تاریخی این شهر واقع شده است. این خیابان در حال حاضر به‌عنوان فضای تجمع شهروندان به‌ویژه جوانان، دارای جاذبه‌های مختلف خرید، قدم زدن، گذران اوقات فراغت و بسیاری از فعالیت‌های کلیدی شهر به لحاظ آموزشی، فرهنگی، اداری و درمانی می‌باشد که این امر سبب حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در آن گردیده است. انتخاب این خیابان بر اساس ظرفیت بالای این مکان در جذب گروه‌های مختلف، فعال

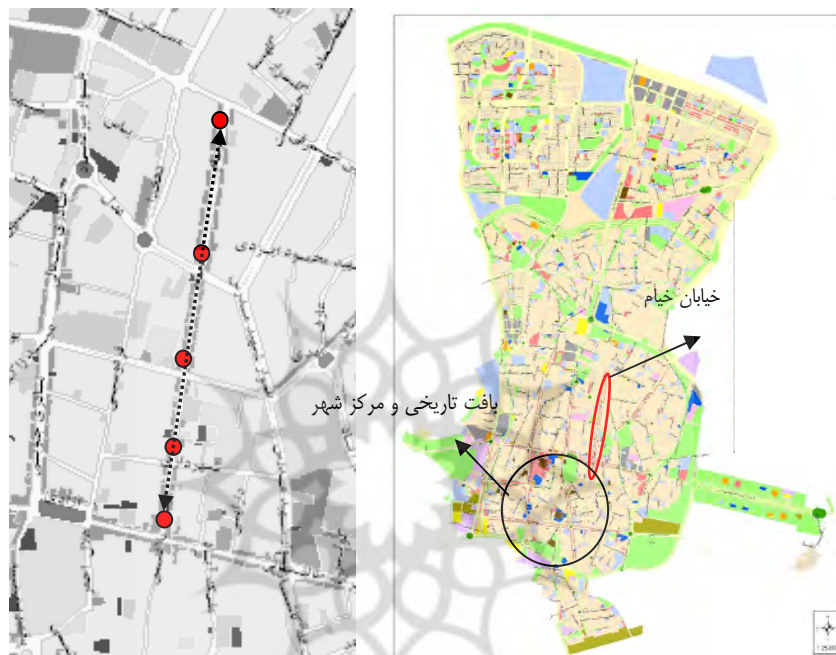
3- SPSS

4- T-test

5- F-test (ANOVA)



بودن در تمامی ساعات روز و روزهای سال و براساس مصاحبه‌ای با شهروندان قزوین در نقاط مختلف شهر صورت گرفته است.



تصویر (۱) موقعیت خیابان خیام در شهر قزوین تصویر (۲) موقعیت حضور گروه مصاحبه‌کننده در محور خیابان خیام

## یافته‌ها و نتایج

همانگونه که در بخش روش تحقیق اشاره گردید در راستای پاسخگویی به پرسش‌های اصلی تحقیق و با توجه به نوع متغیرها از آزمون‌های تی-تست و اف-تست استفاده گردیده است که البته لازم به ذکر است که به دلیل حجم بالای جداول آماری و تحلیل‌های صورت گرفته تنها به اشاره نتایج حائز اهمیت در متن اکتفا شده است و تنها بخشی از آن ارائه گردیده است.

در تحلیل عامل تأهل کاربران و بررسی نقش این متغیر بر میزان دلبستگی افراد به فضای نمونه، نتایج حاکی از آن است که میزان دلبستگی در کلیه ابعاد آن در دو گروه

متأهلان و مجردان، متفاوت است. مقایسه این تفاوت نشان‌دهنده آن است که اگرچه گروه کاربران مجرد میزان دل بستگی بیشتری در ابعاد رفتاری و شناختی، ابراز داشته‌اند اما تفاوت اندکی در دو بُعد عملکردی و عاطفی به چشم می‌خورد. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد علی‌رغم وجود تفاوت‌های مذکور، تنها تفاوت معنادار (معناداری=  $0/012$ ) بین این دو گروه، در بُعد رفتاری وجود دارد (تی=  $2/510$ ).

در مرحله بعد رابطه بین جنسیت و میزان دل بستگی کاربران در کلیه ابعاد شناختی، عاطفی، عملکردی و رفتاری از طریق آزمون تی-تست مورد بررسی قرار گرفت که نشان می‌دهد اگرچه زنان دل بستگی بیشتری داشته‌اند ولی همبستگی معناداری بین جنسیت و میزان دل بستگی مشاهده نمی‌شود (رجوع کنید به جدول ۵). علاوه بر این، تحلیل واریانس (اف-تست)، جهت بررسی نقش شغل کاربران شامل گروه‌های: مشاغل آزاد، دولتی، معلمان، اساتید، مهندسان، بازنشستگان، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارگران و زنان خانه‌دار؛ به کارگرفته شد. مقایسه نتایج نشان می‌دهد زنان خانه‌دار در میان سایر گروه‌ها دل بستگی بیشتری به مکان مورد مطالعه دارند که این نتیجه در دو بُعد عملکردی و شناختی نیز محسوس است. ولی در بُعد عاطفی، دانش‌آموزان دل بستگی بیشتری از خود نشان داده‌اند. اما نتیجه جالبی که در این مرحله به دست آمده حاکی از رابطه معنادار (معناداری=  $0/008$ ) بین گروه کارگران و بُعد رفتاری دل بستگی به مکان می‌باشد (جدول ۶).

جدول (۴) نتایج آزمون تی-تست در ارزیابی رابطه وضعیت تأهل و میزان دل بستگی افراد

95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig.	df	t	F	
Upper	Lower							
۰/۲۹۷۵۲	-۰/۳۸۰۴۹	۰/۱۷۲۶۱	-۰/۴۱۴۸	۰/۸۱۰	۵۹۰	-۰/۲۴۰	۱/۶۷۳	عملکردی
۰/۷۵۳۲	-۰/۴۸۵۸۶	۰/۱۴۲۸۷	-۰/۲۰۵۲۷	۰/۱۵۱	۵۹۲	-۱/۴۳۷	۰/۸۴۵	عاطفی
۰/۷۴۱۵۳	۰/۹۰۴۶	۰/۱۶۵۷۵	۰/۴۱۶۰۰	۰/۰۱۲	۵۹۰	۲/۵۱۰	۱/۶۹۱	رفتاری
۰/۶۱۲۰۰	۰/۰۲۰۷۳	۰/۱۶۱۰۸	۰/۲۹۵۶۳	۰/۰۶۷	۵۹۰	۱/۸۳۵	۰/۵۸۳	شناختی
۰/۳۵۰۴۴	۰/۱۷۶۵۲	۰/۱۳۴۱۶	-۰/۰۸۶۹۶	۰/۵۱۷	۵۹۲	۰/۶۴۸	۴/۹۷۵	دل بستگی به مکان

جدول (۵) نتایج آزمون تی-تست در ارزیابی رابطه وضعیت تأهل و میزان دلبستگی افراد

95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig.	df	t	F	
Upper	Lower							
۰/۱۱۱۹۳	-۰/۵۵۵۸۶	۰/۱۷۰۰۱	-۰/۲۲۱۹۶	۰/۱۹۲	۵۹۰	-۱/۳۰۶	۰/۴۴۶	عملکردی
۰/۱۴۱۶۷	-۰/۳۱۳۱۱	۰/۱۴۱۲۴	-۰/۰۳۵۷۲	۰/۸۰۰	۵۹۲	-۰/۲۵۳	۰/۸۸۶	عاطفی
۰/۱۵۵۴۵	-۰/۴۸۹۵۵	۰/۱۶۴۲۱	۰/۱۶۷۰۵	۰/۳۰۹	۵۹۰	۱/۰۱۷	۰/۲۴۳	رفتاری
۰/۰۶۸۵۰	-۰/۵۵۶۰۹	۰/۱۵۹۰۱	۰/۲۴۳۸۰	۰/۱۲۶	۵۹۰	۱/۵۳۳	۱/۹۷۷	شناختی
۰/۰۹۲۸۶	-۰/۴۲۶۷۱	۰/۱۳۲۲۷	۰/۱۶۶۹۲	۰/۲۰۷	۵۹۲	۱/۲۶۲	۲/۸۵۱	دلبستگی به مکان

جدول (۶) نتایج آزمون اف-تست در ارزیابی رابطه شغل و میزان دلبستگی افراد

معناداری	اف-تست	میان	انحراف معیار	مجموع	
۰/۱۵۸	۱/۴۲۳	۶/۰۴۷	۱۱	۶۶/۵۱۳	عملکردی
۰/۱۶۷	۱/۴۰۴	۴/۱۲۰	۱۱	۴۵/۱۳۹	عاطفی
۰/۰۰۸	۲/۳۵۵	۹/۱۶۷	۱۱	۱۰۰/۸۳۲	رفتاری
۰/۱۵۳	۱/۴۳۵	۵/۳۳۹	۱۱	۵۸/۷۲۸	شناختی
۰/۱۳۱	۱/۴۸۸	۳/۸۳۵	۱۱	۴۲/۱۸۶	دلبستگی به مکان

در آخرین مرحله، رابطه بین دو متغیر سن و تحصیلات با متغیر دلبستگی به مکان از طریق آزمون همبستگی پیرسون بررسی گردید (جدول ۷). همانگونه که در جدول ۷ قابل مشاهده است تنها رابطه مستقیم معنادار بین عامل سن و دلبستگی به مکان در بُعد رفتاری آن وجود دارد. در مورد متغیر تحصیلات نیز رابطه غیرمستقیم و معناداری بین میزان دلبستگی کاربران و سطح تحصیلات آن‌ها به چشم می‌خورد. علاوه بر این با افزایش تحصیلات کاربران دلبستگی عاطفی آن‌ها به فضای نمونه نیز کاهش می‌یابد (معناداری=۰/۰۱۶).

جدول (۷) نتایج حاصل از آزمون همبستگی بین متغیرهای تحصیلات و سن با دلبستگی به مکان

	عملکردی	عاطفی	رفتاری	شناختی	دلبستگی به مکان
سن	۰/۰۲۶	-۰/۰۱۷	۰/۱۳۵*	۰/۳۸	۰/۲۵
معناداری	۰/۵۲۴	۰/۶۷۱	۰/۰۰۱	۰/۳۶۰	۰/۵۴۰
همبستگی پیرسون	-۰/۰۵۶	-۰/۰۹۹*	-۰/۰۳۵	-۰/۰۶۰	-۰/۱۸۳*
معناداری	۰/۱۷۶	۰/۰۱۶	۰/۴۰۱	۰/۱۴۸	۰/۰۴۳

### نتیجه‌گیری

همانگونه که در مرور ادبیات به آن اشاره گردید ویژگی‌های جمعیت‌شناسانه افراد و نقش آن در میزان دلبستگی آنان به مکان، موضوع مطالعات متفاوتی بوده است و تاکنون متغیرهایی

چون: جنسیت، سن، درآمد، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، تحصیلات و شغل به عنوان عوامل تعیین‌کننده در این خصوص گزارش شده‌اند (Tuan, 1977; Riley, 1992; Johnson, 1998; Pretty, 2003; Bonaiuto et al, 1999; Williams et al, 1992; Cohen & Shinar, 1983) که در تحقیق حاضر نیز در فضای نمونه مورد آزمون قرار گرفتند. به‌عنوان اولین نتیجه، مقایسه میانگین نتایج حاصل از تحلیل‌ها دربردارنده این واقعیت است که کاربران مجرد، افراد مسن‌تر، زنان و نیز گروه کارگران در مقایسه با سایر گروه‌ها، احساس دلبستگی بیشتری به فضای مورد مطالعه دارند. به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد تحقیق می‌توان اذعان داشت که در فضای مورد مطالعه میزان تحصیلات کاربران تنها عامل تعیین‌کننده در میزان دلبستگی آنان بوده است.

علاوه بر این علی‌رغم برخی مطالعات مشابه که به عامل جنسیت و اهمیت و نقش آن در دلبستگی به مکان اشاره دارند، در فضای نمونه مورد مطالعه چنین نتیجه‌ای در رابطه با میزان دلبستگی به مکان مشاهده نگردید که این نتیجه در مورد متغیر وضعیت تأهل کاربران نیز صدق می‌کند. همچنین اگرچه برخی مطالعات به عامل شغل در این خصوص تکیه دارند، رابطه معناداری در تحقیق حاضر بین متغیر مذکور و دلبستگی به مکان یافت نشده است. این در حالی است که متغیر تحصیلات رابطه معناداری با احساس دلبستگی داشته است با این توضیح که با افزایش میزان تحصیلات کاربران میزان دلبستگی آنان به فضای نمونه کاهش داشته است و این امر در خصوص بعد عاطفی آن نیز به چشم می‌خورد.

با توجه به نتایج به دست آمده و بررسی مطالعات مشابه در این خصوص، همانند مطالعات کوهن<sup>۶</sup> و شینار<sup>۷</sup> در سال ۱۹۸۵ و اسوالد<sup>۸</sup> و وال<sup>۹</sup> در سال ۲۰۰۱ که اشاره به احساس دلبستگی بیشتر گروه‌های کم‌درآمد و طبقه‌های پایین‌تر اجتماعی دارند و در توضیح نتایج تحقیق، شاید بتوان گفت که این گروه به علت نوع الگوی گذران اوقات فراغت و سپری نمودن زمان بیشتر در چنین فضاهایی، دلبستگی بیش‌تری نسبت به مکان احساس می‌نمایند که البته اثبات این ادعا مستلزم شناخت این الگوهای گذران اوقات فراغت می‌باشد

---

6- Cohen

7- Shinar

8- Oswald

9- Wahl

## منابع

- ۱- پرتوی، پ. (۱۳۸۷)، «پدیدارشناسی مکان»، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۲- چرخچیان، م. (۱۳۸۸)، «بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر دلبستگی به فضاهای عمومی شهری»، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۳- دانشپور، س.ع، سپهری، م، چرخچیان، م. (۱۳۸۸)، «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، *مجله هنرهای زیبا*، شماره ۳۸.
- ۴- شیخی، م.ت. (۱۳۸۰). «جامعه‌شناسی شهری»، انتشارات نورگیتی، تهران.
- 5- Ahrentzen, S. B. (1992) "Home as a Workplace in the Lives of Women", In I. Altman, and S. Low (Eds.), *Place Attachment*, New York: Plenum Press, 12,113-138.
- 6- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M. and Ercolani, A.P. (1999), "Multidimensional Environment Quality and Neighbourhood Attachment", *Urban Environment*, 19, 331-352.
- 7- Bonaiuto, M., Fornara, F. and Bonnes, M. (2002), "Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighborhood Attachment in Urban Environments: A Confirmation Study on the City of Rome", *Landscape and Urban Planning*, 988, 1-12.
- 8- Cohen, Y.S. and Shinar, A. (1985), "*Neighbourhoods and Friendship Networks*", Chicago, The University of Chicago.
- 9- Eisenhauer, B.W., Krannich, R.S. and Blahna, D.J. (2000), "Attachments to Special Places on Public Lands: An Analysis of Activities, Reason for Attachments, and Community Connections", *Society and Natural Resources*, 13, 421-441.
- 10- Ellaway, A., and Macintyre, S. (1996), "Does Where You Live Predict Health Related Behaviours? A Case Study in Glasgow", *Health Bulletin*, 54, 443-446.
- 11- Giuliani, M.V. and Feldman, R. (1993), "Place Attachment in a Developmental and Cultural Context", *Journal of Environmental Psychology*, 13, 267-274.

- 12- Hidalgo, M.C., and Hernandez, B. (2001), "Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions", *Journal of Environmental Psychology*, 21, 273-281.
- 13- Johnson, C.Y. (1998), "A Consideration of Collective Memory in African American Attachment to Wildland Recreation Places", *Human Ecology Review*, 5, 5-15.
- 14- Kyle, G.T., Absher, J.D. and Graefe, A.R. (2003), "The Moderating Role of Place Attachment on the Relationship between Attitude toward Fees and Spending Preferences", *Leisure Sciences*, 25, 33-50.
- 15- Low, S.M., and Altman, I. (1992), 'Place Attachment: A Conceptual Inquiry', In Low, S.M. and Altman, I. (Eds.) *Place Attachment*, New York, Plenum Press, 12, 1-12.
- 16- Low, S.M. and McDonogh, G.W. (2001), 'Remapping the City: Place, Order and Ideology', *American Anthropologist*, 103:1, 5-6
- 17- Moore, R.L. and Graefe, A.R. (1994), 'Attachments to Recreation Settings: The Case of Rail-trail Users', *Leisure Sciences*, 16, 17-31.
- 18- Oswald, F., and Wahl, H.W. (2001), "Housing in Old Age: Conceptual Remarks and Empirical Data on Place Attachment", *IAPS Bulletin of People-Environment Studies*, 19, 7-11.
- 19- Pretty, G., Chipuer, H.M., Bramston, P. (2003), "Sense of Place among Adolescence and Adults in two Rural Australian Towns: The Discriminating Features of Place Attachment, Sense of Community and Place Dependence in Relation to Place Identity", *Journal of Environmental Psychology*, 23, 273-287.
- 20- Proshansky, H.M., Fabian, A.K. and Kaminoff, R. (1983), "Place-identity: Physical World Socialization of the Self", *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
- 21- Riley, R. (1992), "Attachment to the Ordinary Landscape" In I. Altman and S. M. Low (Eds.), *Place Attachment*, New York, Plenum Press.

- 22- Rohe, W.M. and Stegman, M.A. (1994), "The Impact of Home Ownership on the Social and Political Involvement of Low-income People", *Urban Affairs*, 30:1, 152-172.
- 23- Rubinstein, R.L and Parmelee, P.A. (1992), "Attachment to Place and Representation of the Life Course by the Elderly", In I. Altman and S.M. Low (Eds.), *Place Attachment*, New York, Plenum Press.
- 24- Schreyer, R., Jacob, G., and White, R. (1981), "Environmental Meaning as a Determinant of Spatial Behavior in Recreation", In J. Frazier and B. Epstein (Eds.), *Proceedings of the Applied Geography Conferences*, Binghamton, Dept. of Geography, SUNY Binghamton, 294-300.
- 25- Stedman, R.C. (2003), "Is It Really Just a Social Construction? The Contribution of the Physical Environment to Sense of Place", *Society and Natural Resources*, 16:8, 671-685.
- 26- Tuan, Y.F. (1977), "*Space and Place: The Perspective of Experience*", Minneapolis, University of Minnesota Press.
- 27- Vaske, J.J., and Kobrin, K.C. (2001), 'Place attachment and Environmentally Responsible Behavior', *The Journal of Environmental Education*, 32:4, 16-21.
- 28- Warzecha, C.A., and Lime, D.W. (2001), "Place Attachment in Canyonlands National Park: Visitors' Assessment of Setting Attributes on the Colorado and Green Rivers", *Journal of Park and Recreation Administration*, 19:1, 59-78.
- 29- Williams, D.R., Patterson, M.E., Roggenbuck, J.W., and Watson, A. E. (1992), "Beyond the Commodity Metaphor: Examining Emotional and Symbolic Attachment to Place", *Leisure Sciences*, 14, 29-46.
- 30- Williams, D.R., and Vaske, J.J. (2003), "The Measurement of Place Attachment: Validity and Generalizability of a Psychometric Approach", *Forest Science*, 49:6, 830-840.